



از کسی که بنده خدا نیست، توقع خیر نداشته باشید/ چهار شخص معتمد

حجت الاسلام انصاریان گفت: کسی که بنده خدا نیست، توقع خیر از او نداشته باشید. البته امروزه اهل خیر نیست که از او توقع خیر واقعی داشته باشید. تا دلت بخواهد، اهل شر هست و هیچ رحمی هم ندارد.

حجت الاسلام انصاریان گفت: کسی که بنده خدا نیست، توقع خیر از او نداشته باشید. البته امروزه اهل خیر نیست که از او توقع خیر واقعی داشته باشید. تا دلت بخواهد، اهل شر هست و هیچ رحمی هم ندارد.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام حسین انصاریان در سخنرانی خود در حسینیه همدانی ها در مشهد، اظهار کرد: این مسئله یقینی است و تاریخ بشر هم از زمان آدم(ع) تاکنون ثابت کرده است که اگر انسان بنده پروردگار مهربان عالم نباشد، بنده غیرخدا خواهد بود؛ بنده مجموعه خواسته های نامشروع خودش، بنده مال، بنده شکم، بنده شهوت، بنده مرد و زن. در بندگی خدا خیر از وجود انسان می جوشد. بیش از پانصد آیه در قرآن درباره انبیای الهی است، دو آیه از این پانصد آیه در سوره آل عمران و انعام درباره پیغمبر اسلام(ص) است و بسیاری هم در سوره هود، سوره بقره، سوره انبیاء، سوره شعراء، سوره قصص، سوره نمل و دیگر سوره هاست؛ اما اگر انسان بنده غیر باشد، بر ضد بندگان خدا از وجودش شر می بارد.

از کسی که بنده خداست، خیالتان راحت باشد که ضربه ای از او به شما نمی خورد

وی ادامه داد: رسول خدا(ص) درباره بندگان واقعی خدا یک روایت دارند و به قول خودشان، این روایت به زبان آسان، اما در عمل سنگین است؛ یعنی از هر ده نفر، هشت نفر این طور نیستند. روایت مفصل است و روایت را هم مرحوم کلینی(ره) در جلد دوم الاصول کافی نقل می کند؛ البته دیگران هم نقل کرده اند و من این روایت را در چند کتاب دیده ام که حضرت می فرمایند: «الخيرُ منه مأمولٌ»؛ از کسی که واقعاً بنده خداست، فقط توقع خیر داشته باشید، «و الشرُّ منه مأمونٌ»؛ و از کسی که بنده خداست، خیالتان راحت باشد که ضربه ای از او به شما نمی خورد.

پشت کردن به نیازمند از اخلاق مؤمن نیست

استاد اخلاق حوزه علمیه گفت: «الخيرُ منه مأمولٌ و الشرُّ منه مأمونٌ»؛ آمل یعنی توقع، آرزو و خواسته. کسی را دیدید و شناختید که واقعاً عبد خداست، هر خیری را از او توقع داشته باشید؛ اگر هم کسی به او مراجعه می کند، مشکلی دارد و می داند که نمی تواند مشکل او را حل کند، این قدر با چهره زیبا و کلام زیبا با او برخورد می کند که طرف از غصه درمی آید. این یک دستور قرآنی است که خدا به پیغمبر اکرم(ص) داده است.

وی ادامه داد: بالاخره پیغمبر(ص) در دنیا بود و دنیا پستی و بلندی دارد، دار و نداری دارد، سختی و راحتی دارد و انبیا هم در همین حوزه بودند. می گوید اگر مشکل داری پیش تو آمد و دردش را گفت، اما نتوانستی حل کنی، یعنی یقین داهستی نمی توانی حل کنی؛ اگر پولی است و پولش را نداری، اگر با نوعی از قدرت باید حل شود و قدرتش را نداری؛ اگر باید به دیگران بگویی، جا ندارد که به دیگران بگویی تا حل کنند. او را با روی خوش و زبان نرم قانعش کن، با او زیبا سخن بگو و بگو عالم دست خداست، ما همه بنده خداییم و همه چیز به اراده او بستگی دارد. امروز ندارم، خدا فردا به من عنایت می کند، بیا تا مشکلت را حل کنم. اینکه بگوییم نمی توانم، نمی شود، به من مراجعه نکن، از اخلاق مؤمن نیست!

انصاریان به روش برخوردی قرآن با گرفتاران اشاره و خاطرنشان کرد: کسانی که مشکل اقتصادی پیدا می کنند و عبد خدا هستند، تا جایی که امکان دارد، به کسی مراجعه نمی کنند و می گویند شاید عنایت و لطفی شد و مشکل حل گردید؛ ولی وقتی ببینند مشکل حل نمی شود، اجازه دارند که مراجعه کنند. بالاخره قرآن مجید عناوینی به عنوان فقیر، مسکین، مشکل دار، سائل و محروم دارد. اگر سائل به ما مراجعه کرد، یعنی خدا اجازه داده است که برو و درد را بگو، به من هم گفته اگر می توانی حل کن و اگر نمی توانی، به دیگری بگو تا حل کند؛ نمی توانی، دلش را خوش کن و با روی باز با او برخورد کن.

چهار شخص معتمد برای حل مشکل در کلام رسول خدا(ص)

مؤلف کتاب «شرح اصول کافی»؛ چهار شخص معتمد برای حل مشکل در کلام رسول خدا(ص) را مورد بررسی قرار داد و عنوان کرد: شخصی مشکل پیدا کرده است و چاره ای ندید جز اینکه خدمت وجود مبارک حضرت ابی عبدالله الحسین(ع) در مدینه بیاید. سلام کرد و نشست. ظاهراً سن او مقداری بالا بود و پیغمبر(ص) را دیده بود، گفت: یابن رسول الله! من از جدتان پیغمبر(ص) شنیدم که اگر مشکل داری، پیش یکی از این چهار نفر ببر: اولین شخص معتمد برای حل مشکلات از منظر پیامبر "عربی شریف و اصیل" است. عربی شریف، یعنی یک انسان اصیل و ریشه دار که می توان به او مراجعه کرد؛ بسیار مهم است که آدم درد خود را به چه کسی بگوید.

وی ادامه داد: دومین شخص معتمد "رجل کریم" است یعنی انسان کریم و بخشنده که دست دهنده دارد. سومین شخص "انسان خوش رو" نام نهاده شده یعنی کسی که خوش روست و تلخ نیست، می داند چگونه با تو حرف بزند.

مبلغ عرصه بین الملل حافظ قرآن را چهارمین شخص معتمد برای حل مشکلات دانست و افزود: به نظر مرد عرب، آن کسی که "حافظ قرآن" است، مسائل الهی و خواسته های پروردگار را می داند. یک خواسته پروردگار، این است که سائل و محروم و مشکل دار را رد نکن؛ اگر می توانی، کارش را حل کن. من دیدم که این چهار مسئله در تو یک نفر جمع است؛ هم عرب شریفی، هم رجل کریمی، هم حافظ قرآنی و هم خوش رویی. امام(ع) فرمودند: هرچه مشکل داری، بگو که من می توانم حل کنم.

وی تأکید کرد: دو جمله را به یاد بسپارید: «الخیر منه مأمول و الشر منه مأمون»، از آن کسی که عبد خدا است، توقع خیر داشته باشید و خود را از ضرر و شر و آزار و اذیت او در امان بدانید؛ چون اهل آزار رساندن و شر نیست.

انصاریان با اشاره به اینکه دو واقعیت در انتظار عباد الرحمن در قیامت است، اظهار کرد: طبق آیات قرآن راه دو واقعیت در قیامت بر عباد الرحمن باز است و هیچ مانعی در مسیرش نیست. از وقت مرگش تا روز قیامت در کنار این دو حقیقت است. آیاتی که این دو واقعیت را می گوید، بخشی در سوره توبه است و بخشی در سوره آل عمران است.

وی ادامه داد: یک واقعیت "رضایت الله" است؛ مگر می شود کسی عبد خدا باشد و پروردگار از او راضی نباشد؟ «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ» (سوره مائده، آیه ۱۱۹). این اعلام پروردگار است، مگر می شود اعلام خدا را باور نکرد؟ این اعلام، اعلام یقینی، قطعی و حتمی است. دومین واقعیت "جنت الله" است؛ قرآن می فرماید: «جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا» (سوره مائده، آیه ۱۱۹). «جَنَّاتٌ» برای «عباد الله» و «عباد الرحمن» است.

کسی که بنده خدا نیست، توقع خیر از او نداشته باشید

انصاریان گفت: کسی که بنده خدا نیست، توقع خیر از او نداشته باشید. کسی که اهل خیر نیست، اگر هم کار خیری کند، می خواهد ۱۰ بار متت بگذارد؛ آن دیگر خیر نیست. البته اهل خیر نیست که از او توقع خیر واقعی داشته باشید. تا دلت بخواهد، اهل شر هم هست و هیچ رحمی هم ندارد که این برادرم است، این مادرم است، این خواهرم است، این داماد برادرم است، این هم محله ای است، این هم شهری ام است. رعایت هیچ چیز را نمی کند. نقل است که کسی بعد از کشته شدن شمر به دست مختار، خواب او را دید و گفت: اگر خدا زنده ات کند و به دنیا بیایی، چه کار می کنی؟ گفت: به کربلا می روم و سر حسین(ع) را از بدن جدا می کنم. این شر دارد، یعنی آن کسی که بنده خدا نیست، شر دارد.

وی درباره کسانی که بنده خدا نیستند و بنده هم نمی شوند و وارد قیامت می شوند، به ذکر سه آیه از حضرت رضا(ع) پرداخت و گفت: می گویند: علی بن فضیل پسر فضیل عیاض از پدرش زاهدتر، عارف تر و بنده تر بود. فضیل شاگردی درس خوان دارد که مورد علاقه فضیل است. او مریض شد و به حال مرگ افتاد، استاد بالای سرش آمد و شروع به خواندن سوره مبارکه یس کرد، شاگرد هم ناله زد و گفت نخوان! گفت: باشد؛ پس حالا که نزدیک مرگت است و در احتضاری، بگو «لا اله الا الله» و بمیر. گفت: من از این جمله بدم می آید و نمی گویم؛ و مُرد. خیلی برای فضیل تعجب آور بود که نگذاشت سوره «یس» را بخواند، به او می گویم «لا اله الا الله»؛ بگو، می گوید من از این کلمه بدم می آید، اصلاً حرفش را نزن!

مبلغ عرصه بین الملل افزود: وقتی شاگرد فضیل مُرد، از بالای سرش بلند شد و به خانه آمد، دیگر فضیل از خانه بیرون نیامد تا وقتی که در عالم خواب قیامت را دید. در آنجا شاگردش را دید که به زنجیر کشیده اند و به جهنم می برند. اجازه

گرفت و گفت: می شود من با این شاگردم صحبت کنم؟ گفتند: بله، او را نگه داشتند. گفت: وقتی محتضر بودی و داشتی در کام مرگ می افتادی، من می خواستم بالای سرت سرت؛ سرت بخوانم، اما تو نگذاشتی؛ خواستم لا اله الا الله؛ را به تو تلقین کنم، گفتی بدم می آید.

چه چیزی آن شاخه و ریشه ارتباط تو را با پروردگار از جا کند؟ گفت: گناه اول، خوشم می آمد که دو به هم زنی کنم؛ سخن چین بودم و بین زن و شوهر، بین دو برادر، بین دو شریک، بین دو رفیق، بین دو عالم بهم می زدم. آدم بین دو نفر را به هم بزند و در دل هر دو ایجاد کینه کند، عوارض زیادی هم به وجود بیاید، خانواده ها همه با هم دشمن شوند، خیلی گناه سنگینی است. گناه دوم که مرا به اینجا کشاند، حسادت بود. تحمل نعمت های پروردگار را بر دیگران نداشتم. گناه سوم این بود که یک بیماری گرفته بودم، پیش دکتری رفتم و به من گفت باید چندوقت به چندوقت یک لیوان مشروب الکلی بخوری. اگر بنده واقعی خدا باشید گرفتار این سه گناه نمی شوید. متأسفانه هر سه گناه هم در جامعه ما موج می زند و کم نیست.

انصاریان با بیان اینکه عباد خدا اهل اتصال دادن هستند، بین کسانی که مشکل ایجاد شده، مشکل را برطرف می کنند، تصریح کرد: امیرالمؤمنین(ع) ده دقیقه، یک ربع به شهادتشان مانده بود، به کل فرزندانسان که بالای سرشان بودند، فرمودند: $\text{صالح ذات البین افضل من عامة الصلاة و صيام}$؛، بین دو نفر - یک زن و شوهر، دو خانواده، دو برادر - را آشتی بدهید، از همه نماز و روزه هایتان در پرونده تان برتر است. حل اختلاف این قدر مهم است! $\text{صالح ذات البین افضل من عامة الصلاة و صيام}$؛، یک کار مؤمن است.

مؤمن حسود هم نیست؛ نعمت خدا را به هرکس می بیند و می گوید: $\text{و قال رب اوزعني ان اشكر نعمتك التي انعمت علي و على والدي}$ (سوره نمل، آیه ۱۹)، خدایا توفیق شکر نعمتی را که به خودم و دیگران داده ای، به من عنایت کن. این متن دو بار در قرآن آمده است. این اخلاق عباد خداست: نعمتی که به من دادی، توفیق بده تا شکر کنم و نعمتی که به دیگران داده ای، توفیق بده تا شکر آنها را هم من انجام بدهم. مؤمن و عبد خدا حرام خور نیست؛ می گویند مؤمن شراب نمی خورد؛ مؤمن اصلاً به خیالش نمی آید که شراب بخورد.

مبلغ عرصه بین الملل گفت: علی بن فضیل که مرحوم صاحب روضات؛ نوشته است از پدر زاهدتر، متدین تر و خدایی تر بود، روزی در مسجدالحرام نزدیک چاه زمزم آمده بود، دید که یک قاری نشسته و آیات ۴۹-۵۱ سوره ابراهیم را می خواند. علی بن فضیل جوان تا آیه اول را شنید: $\text{و ترى المجرمين يومئذ مقررين في الاصفاد}$؛ (سوره ابراهیم، آیه ۴۹)؛ پیغمبر من، در روز قیامت با چشمت می بینی که تمام مجرمین را با همدیگر به زنجیر بسته اند - نه یک نفر را به یک زنجیر، بلکه جمع مجرمین را با همدیگر به زنجیر بسته اند -، یک نعره زد و روی زمین افتاد. بالای سرش آمدند و فکر کردند بیهوش شده، اما دیدند از دنیا رفته است. وقتی دل آماده باشد، چشم باطن هم وقتی باز باشد، انسان در حد خودش از آیات اثر برمی دارد. یکی اثر توبه کنندگی برمی دارد، یکی اثر پشیمانی برمی دارد و آن کسی هم که خیلی رده بالاست، با شنیدن آیه از دنیا می رود.

کل آسمان ها و زمین تحمل آتش جهنم را ندارند

انصاریان به آیه دیگری درباره کسانی که بنده خدا نیستند و بنده هم نمی شوند و وارد قیامت می شوند، اشاره و خاطرنشان کرد: $\text{سرايلهم من قطران و تغشى و جوهم النار}$؛ (سوره ابراهیم، آیه ۵۰)، پیراهنی که تن مجرمین است، از ماده قطران است که یک ماده بسیار متعفن و بدبوست و به محض اینکه این ماده نزدیک آتش بیاید، آتش می گیرد. این پیراهن هم وقتی در جهنم آتش بگیرد، همیشه آتش است و از بدن آنهایی که بنده شهوت، پول، ثروت، صندلی و بنده فرعون و یزید بودند، دیگر در نمی آورند. هوا ۴۸ درجه می شود، به ملت خوزستان می گویند از خانه بیرون نیاید، اداره ها تعطیل می شود، یعنی تحملش را ندارند. امیرالمؤمنین(ع) می گویند: آتش جهنم آتشی است که کل آسمان ها و زمین تحمل کشیدنش را ندارند. $\text{و تغشى و جوهم النار}$؛، قیافه شان را آتش می پوشاند.